

Policies and strategies to combat violence against women: An approach based on the lived experiences of women in Tehran

saber khazayi¹

Zahra hazrati someeh*²

SasanVadieeh³

Received: 8 December 2023

Reception: 11 March 2024

ABSTRACT

This research was conducted with the aim of qualitatively analyzing the experiences and reactions of women who experienced violence in Tehran and identifying effective solutions to improve their situation. The research method used in this study is qualitative and based on the phenomenological strategy, and thematic analysis method was used to examine the experiences and coping strategies of women who experienced violence. The statistical population includes women who experienced violence living in Tehran, who were selected based on specific criteria. Sampling was done purposefully using the snowball method and data was collected through semi-structured interviews. Data analysis shows that abused women face deep and diverse challenges caused by physical, verbal, and emotional violence. The findings indicate that these women often have no choice but to tolerate and remain silent in the face of violence, and in rare cases, they turn to mutual aggression. This situation is caused by the lack of social and family support, financial problems, and weakness in the country's legal and support system. Abused women attribute their problems to cultural and family factors and believe that changing these behaviors is beyond their control. In the solutions section, the main suggestions include strengthening social and family support, legal reforms, education and culture, examining and filling legal gaps, and developing economic support services. The implementation of these strategies can help improve the situation of women who have experienced violence and provide the basis for reducing violence and increasing social and legal support.

Keywords: violence, women subjected to violence, lived experience.

¹PhD student in Sociology, The trend of studying Iran's social issues. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

²Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Science, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran.

³Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Science, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran.

سیاستها و راهبردهای مقابله با خشونت علیه زنان:**رویکردی بر تجربه های زیسته زنان شهر تهران**

صابر خزایی^۱
 تاریخ دریافت: ۱۷/۰۷/۱۴۰۲
 زهرا حضرتی صومعه*^۲
 تاریخ پذیرش: ۲۲/۱۲/۱۴۰۲
 ساسان ودیعه^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل کیفی تجربیات و واکنش های زنان خشونت دیده در شهر تهران و شناسایی راهکارهای مؤثر برای بهبود وضعیت آن ها انجام شده است. روش تحقیق به کار رفته در این مطالعه، کیفی و بر پایه راهبرد پدیدارشناسی است و از روش تحلیل مضمون برای بررسی تجربه ها و راهکارهای مقابله ای زنان خشونت دیده استفاده شده است. جامعه آماری شامل زنان خشونت دیده ساکن تهران است که بر اساس معیارهای خاص انتخاب شده اند. نمونه گیری به صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله برفی انجام شده و داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته جمع آوری گردیده است. تحلیل داده ها نشان می دهد که زنان خشونت دیده با چالش های عمیق و متنوعی مواجه اند که ناشی از انواع خشونت های فیزیکی، کلامی، و عاطفی است. یافته ها حاکی از آن است که این زنان غالباً در برابر خشونت، چاره ای جز تحمل و سکوت ندارند و در موارد نادر به پرخاشگری متقابل روی می آورند. این وضعیت ناشی از فقدان حمایت های اجتماعی و خانوادگی، مشکلات مالی، و ضعف در سیستم قانونی و حمایتی کشور است. زنان خشونت دیده مشکلات خود را به عوامل فرهنگی و خانوادگی نسبت می دهند و معتقدند که تغییر این رفتارها از اختیار آن ها خارج است. در بخش راهکارها، پیشنهادات اصلی شامل تقویت حمایت های اجتماعی و خانوادگی، اصلاحات قانونی، آموزش و فرهنگ سازی، بررسی و پر کردن خلایق قانونی، و توسعه خدمات حمایتی اقتصادی است. اجرای این راهکارها می تواند به بهبود وضعیت زنان خشونت دیده کمک کرده و زمینه را برای کاهش خشونت و افزایش حمایت های اجتماعی و قانونی فراهم آورد.

واژه های کلیدی: خشونت، زنان خشونت دیده، تجربه زیسته.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*دانشیار جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

^۳ استادیار جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مسئله خشونت یکی از مسائل بهداشت عمومی است و سازمان جهانی بهداشت (WHO) اینچنین تعریف می‌کند: «هر رفتاری که باعث آسیب جسمی، روانی یا جنسی به افراد در رابطه شود.» خشونت شامل اعمال پرخاشگری جسمی، سوء استفاده روانی یا تماس جنسی اجباری می‌باشد. زنان ایرانی تمایلی برای بحث درباره‌ی خشونت خانگی و گزارش آن ندارند، با توجه به اینکه در مذهب و فرهنگ ما خانواده اهمیت خاصی برخوردار است. در غالب زنان ایرانی این نگرش وجود دارد که حفظ خانواده مهم‌تر از سلامتی خودشان است و آنها آزار و اذیت از طرف شوهرشان را به بهای حفظ خانواده تحمل می‌کنند. خشونت در انواع و اقسام آن اعم از جسمی، جنسی، روانی و اقتصادی آثار شوم و جبران ناپذیری بر فرد قربانی دارد. تأثیر خشونت خانوادگی چون موجی وسیع در جامعه پخش می‌شود و یکایک افراد جامعه را در برمی‌گیرد. به همین دلیل درک درست و ماهیت خشونت و توجه به آثار متعدد و پیامدهای آن و یافتن ابزاری برای کاهش رفتارهای خشونت آمیز ضروری و مسئله‌ای مربوط به عموم جامعه است. (محسنی و همکاران، ۱۳۹۱).

خشونت خانگی رایج‌ترین فرم از خشونت علیه زنان است که با بسیاری از عوارض اجتماعی، اقتصادی و روانی همراه است. به گونه‌ای که در دهه‌های اخیر از این پدیده به عنوان جدیدترین مشکل اجتماعی و رایج‌ترین فرهنگ، اجتماعی و منطقه‌ای یاد شده است. شایع‌ترین شکل این خشونت‌ها، خشونت اعمال شده توسط شریک زندگی است. آمار سازمان جهانی بهداشت بیانگر آن است که ۱۱ تا ۲۲ درصد زنان توسط شریک زندگی خود مورد خشونت واقع می‌شوند که از این میان ۲۱ درصد در کشورهای توسعه یافته و ۱۱ تا ۱۶ درصد در کشورهای در حال توسعه هستند. در ایران نیز مطالعات انجام شده در دهه اخیر وجود این پدیده و عوارض ناشی از آن را تأیید می‌کند. در سال ۱۳۸۳ حدود ۳۵٪ زنان متأهل بالای تهرانی تحت انواع خشونت خانگی قرار داشته‌اند که به تفکیک ۳۰٪ تحت خشونت جسمی، ۲۹٪ خشونت روانی و ۱۰٪ خشونت جنسی بوده‌اند (حسینی و همکارش، ۱۳۹۵).

طبق نظریه‌ی اسلاوین درملندگی آموخته شده هنگامی رخ می‌دهد که فرد موقعیت را برای چالش نامطلوب درک کند بنابراین فرد اعمال بالقوه‌ای را شناسایی می‌کند تا موقعیت را کم اضطراب تر و مطلوب تر سازد. پس از اینکه فرد کوشش‌های ناموفقی در متأثر ساختن محیط در جهت پیامد مورد نظر داشت استقلال پاسخ از پیامد را می‌آموزد. این پیامد استقلال پاسخ از فرضیات مهم در نظریه درماندگی است. پژوهش کیفی داستان از زنان بمبئی نشان می‌دهد که ۳۵٪ آنان کتک خوردن از همسرانشان را چیزی عادی می‌دانستند و

خود را محق آن می‌دانستند زیرا ممکن است در انجام امور محوله‌ای همچون مراقبت، خواب و ... کوتاهی انجام داده باشند (تمدنسی و همکارش، ۱۳۹۸). با این وجود، شیوع خشونت نشان می‌دهد که هنوز در سطح جهانی، میلیونها نفر از زنان مورد هدف خشونت هستند و با پیامدها و عواقب آن زندگی می‌کنند و هنوز بین درک بالینی تأثیرات خشونت و پژوهش و درمانهای تجربی و عملی، گسست عمیقی حاکم است. هدف این پژوهش آن است تا زنان قربانی خشونت چه تجربیاتی داشته‌اند و مهم‌ترین پیامد مورد خشونت قرار گرفتن چه عامل یا معلولی چه عواملی می‌باشد تا برای درمان و بازپروری زنان قربانی خشونت تجربیات بهتری اتخاذ شود.

خانواده در زمره مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دونفر شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده اهمیت زیادی دارد. همچنین خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام و شفادهنگی و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض و هم‌بستر شکوفایی یا فروپاشی روابط بین اعضایش است (شعاع کاظمی و سیف، ۱۳۸۹).

تعدادی از اصطلاحات کلیدی مورد استفاده برای توصیف خشونت زنان وجود دارد که عبارتند از خشونت علیه زنان^۱ خشونت جنسیت محور^۲ خشونت شریک صمیمی^۳ خشونت خانگی^۴ و خشونت جنسی علیه زنان^۵ (کلهر، ۲۰۰۹) ماده ۱ اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حذف خشونت علیه زنان (۱۹۹۳) آن را چنین تعریف می‌کند: «هر اقدام خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت که منجر آسیب روانی جسمی یا جنسی و یا رنج زنان گردد از جمله تهدید به این عمل اجبار یا محرومیت‌های مستبدانه از آزادی که در زندگی عمومی یا خصوصی رخ می‌دهد. بنابراین خشونت در مقابل زنان ممکن است طیفی از اشکال مانند خشونت جسمی جنسی روحی یا عاطفی و یا تهدید خشونت فیزیکی یا جنسی را در بر گیرد. اگرچه تعاریف چندگانه از خشونت جنسی وجود دارد اما نقطه مشترک این تعاریف انجام عمل جنسی توسط یک یا چند فرد نسبت به دیگری بدون رضایت آن شخص است. عمل جنسی بین افراد از یک جنس یا جنس مخالف اتفاق می‌افتد.» (اسپون و تلیز، ۲۰۱۲)^۶

نخستین سند حقوق بین‌المللی که به طور ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار داد اعلامیه منع خشونت علیه زنان بود که در سپتامبر ۱۹۹۳ طی قطعنامه ۱۰۶/۶۸ مورد تصویب سازمان ملل قرار گرفت و در ماده یک خشونت

^۱ Violence Against Women
^۲ Gender-Based Violence
^۳ Intimate Partner Violence
^۴ Domestic Violence
^۵ Sexual Violence Against Women
^۶ Spohn & Tellis

علیه زنان را «هر عمل خشنی است که مبنای جنسیتی داشته باشد و منجر به آزار جنسی، فیزیکی و روانی برای زنان شود و در نهایت منجر به سلب آزادی آنان، هم در زندگی خصوصی و هم در زندگی اجتماعی شود» (جوکیز"، ۱۹۹۹). کمیته ملی خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۱ در کشور استرالیا این مسأله را این گونه تعریف کرد رفتاری که به وسیله مردان برای کنترل قربانی شان اعمال و موجب بروز آسیب‌های روانی، فیزیکی و جنسی می‌شود و انزوای اجتماعی و یا محرومیت اقتصادی و رفتاری را در پی دارد، به گونه‌ای که زن در ترس و وحشت زندگی می‌کند» (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۰).

اجماع کنفرانس‌های بین‌المللی متفاوت برگزار شده در صده بیستم شامل گزاره‌ها و تعاریف حقوق بشر حداقلی برای همه مردم در این کره خاکی بوده که بی تردید بر تشخیص و بررسی خشونت جنسیتی بر علیه زنان تاثیر گذاشته است. این کنوانسیون‌ها عبارتند از: منشور ملل متحد (۱۹۴۵)؛ کنوانسیون نسل‌کشی (۱۹۴۸)؛ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)؛ میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)؛ کنوانسیون جهانی حذف همه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵)؛ کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)؛ کنوانسیون بر علیه شکنجه و دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی یا تنزل دهنده یا تنبیه (۱۹۸۴)؛ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و کنوانسیون درون آمریکایی درباره پیش‌گیری، تنبیه و حذف خشونت علیه زنان- کنوانسیون بلم دو پارا (۱۹۹۴) (چارپیبر و همکاران، ۲۰۰۳).

این کنوانسیون‌ها چارچوب‌های حقوقی برای حراست از حقوق بشر با اقدامات مثبت برای درک و حذف پیشرفته خشونت علیه زنان تاسیس کردند. خشونت جنسیتی تحت تاثیر گروه‌های فمینیست از کشورهای غربی قرار گرفت که افراد تنزل دهنده کرامت زنان از طریق خشونت را محکوم می‌کردند. در نتیجه شناسایی خشونت علیه زنان، بازیگران دیگری از جمله اتحادیه‌های دفاع از حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی به گروه‌های فمینیست پیوستند که برای کمک به کاهش مسائل تلاش و تجزیه و تحلیل صورت می‌دهند. برای درک تعیین خشونت جنسیتی، به در نظر گرفتن خصیصه اجتماعی خصایص منتسب به مردان و زنان نیاز داریم. بیشتر خصوصیات مردان و زنان ساختارهای فرهنگی هستند. آنها محصولات جامعه بوده و ضرورتاً از طبیعت مشتق نمی‌شوند (البردی، ۲۰۰۳).

خشونت جنسیتی توسط مردان بر علیه زنان صورت می‌گیرد که در آن جنسیت متعددی و قربانی اتصال نزدیکی با تبیین این خشونت دارند. در نتیجه، این بر

زنان بدلیل واقعیت ساده زن بودن تاثیر می‌گذارد. این یعنی آن خشونت مرتکب به توسط مردان برای حفظ کنترل و سلطه بر زنان محسوب می‌شود. نقش‌ها و رفتارهای مردان از جنبه اجتماعی ارزشمندتر تلقی می‌شوند. برای مثال، گریستن مورد بی‌اعتنایی واقع می‌شود. بدیده مثبت به پاسخهای خشن نگریده می‌شوند و کار خانه تقریباً برای مردان برغم توجیه اجرای آنها توسط زنان برای مردان بدون توجه باقی می‌ماند. مقوله جنسیت درک روابط مطرح شده بین جنسیت‌ها در جامعه را با تفکیک بین جنسیت زیستی و اجتماعی پیش فرض می‌کند. در حالی که جنسیت زیستی به تفاوت‌های آناتومیکی - فیزیولوژیکی بین مردان و زنان اشاره می‌کند، جنسیت اجتماعی به چگونگی رفتار این تفاوت‌ها در جوامع متفاوت در سراسر تاریخ مرتبط است (اینمجرز، ۲۰۰۳).

در مجموع می‌توان گفت اعمال خشونت علیه زنان و بدرفتاری با آنها از رایج ترین جرائم اجتماعی و از عریان ترین جلوه‌های مردسالاری در جهان امروز است و یکی از مسائل و معضلات اجتماعی است که با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری در بیشتر کشورها، حتی کشورهای توسعه یافته دموکراتیک و در تمامی گروه‌های اجتماعی و طبقاتی دیده می‌شود و مرزهای فرهنگ، طبقه اجتماعی، تحصیل، درآمد و قومیت را در نوردیده است و در پس شعائر، آداب فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات مذهبی پناه می‌گیرد و پنهان می‌شود (نازپرور، ۱۳۸۱). خشونت علیه زنان و به ویژه همسر آزاری یکی از آسیب‌های اجتماعی پنهان است که معمولاً در محیط بسته خانه شکل می‌گیرد و سبب از هم گسیختگی کانون خانواده می‌شود. گروههایی که در درون خانواده‌ها بیشتر در معرض خشونت قرار دارند، نخست زنان، و پس از آن کودکان و سالمندان هستند (فروغان، ۱۳۸۰).

روش پژوهش و ابزار پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و بر پایه راهبرد پدیدار شناسی است و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به بررسی تجربه‌ها و راهکارهای زنان خشونت‌دیده در شهر تهران می‌پردازد. جامعه آماری شامل زنان خشونت‌دیده ساکن تهران است که بر اساس معیارهای خاصی، از جمله تجربه خشونت خانگی یا اجتماعی، انتخاب شده‌اند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انجام شده است؛ بدین صورت که ابتدا تعدادی از زنان خشونت‌دیده که تمایل به مشارکت داشتند شناسایی شدند و سپس از طریق معرفی آنها، سایر افراد واجد شرایط نیز برای شرکت در مصاحبه دعوت شدند.

مصاحبه‌ها به صورت حضوری و در محیطی امن و مناسب برای زنان انجام شد و هر مصاحبه به طور میانگین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. پس از ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها با روش تحلیل مضمون بررسی و کدگذاری شدند و مضامین اصلی و فرعی مرتبط با راهکارهای مقابله‌ای شناسایی و استخراج گردید. برای افزایش اعتبار و روایی یافته‌ها، از روش‌های مختلفی مانند بررسی توسط مشارکت‌کنندگان، مقایسه داده‌ها با منابع موجود و استفاده از تحلیل همکاران برای تأیید کدها و مضامین استفاده شد. اگرچه محدودیت‌هایی نظیر تعداد محدود مشارکت‌کنندگان و تأثیر احتمالی شرایط روحی و روانی این زنان بر پاسخ‌ها وجود داشت، تلاش شد تا با رعایت اصول علمی، نتایجی قابل استناد و کاربردی به دست آید.

یافته‌ها

این مصاحبه‌ها رو انجام دادم میخوام متن رو پارافریز کنی کامل / در این پژوهش ۲۰ سوال در قالب مصاحبه از نمونه آماری «زنان خشونت دیده شهر تهران» پرسیده شد. مصاحبه تا جایی انجام شد که پاسخ‌ها به اشباع رسیده و امکان تحلیل و نتیجه‌گیری از پاسخهای به دست آمده فراهم شد. ۴۵ مصاحبه انجام گرفت که در ادامه به تعدادی از پاسخها به عنوان نمونه‌های جمع‌آوری شده اشاره شده است:

مهتاب، ۳۸ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم، پس از ازدواج با شوهرش با رفتارهای کنترل‌گرانه‌ای مواجه شد. او گوشی موبایل مهتاب را شکست و هرگونه ارتباط با دیگران را محدود کرد. شوهرش به او اجازه نمی‌داد به تنهایی از خانه خارج شود و این رفتارها برای مهتاب بسیار ناراحت‌کننده بود و احساس غم و تنهایی عمیقی را تجربه کرد. سحر، ۲۶ ساله و دارای مدرک سیکل، در دوران بارداری با بی‌توجهی کامل شوهرش روبرو شد. شوهرش به جای تأمین نیازهای ضروری، پول را صرف خرید مواد مخدر کرد و بی‌توجهی او به شرایط سحر به شدت او را عذاب داد. سحر معتقد بود که اگر شوهرش معتاد نبود، اوضاع بهتری داشت. مریم، ۳۱ ساله و دارای مدرک دیپلم، با فشارهای مداوم شوهرش مواجه بود. شوهرش دائماً به مریم ایراد می‌گرفت و با بداخلاقی و تندخویی برخورد می‌کرد. مریم به دلیل ترس از بدتر شدن وضعیت، سکوت می‌کرد و این رفتارها را نوعی خشونت می‌دانست. سیما، ۳۶ ساله و دارای مدرک دیپلم، در دوران عقد با شوهرش مواجه شد که او را به زور به خانه‌شان می‌برد و برای عدم رعایت خواسته‌هایش تندی می‌کرد. سیما به خاطر حفظ آبرو و جلوگیری از اختلافات خانوادگی، سکوت کرد و این رفتارها را ناشی از فرهنگ و جامعه می‌دانست. شهلا، ۳۹ ساله و دارای مدرک

لیسانس، با شوهر خشن و بددهنی زندگی می‌کرد که تحقیر و کتک‌کاری را به عنوان راهی برای کنترل او به کار می‌برد. شهلا تمام کارهای خانه و بچه‌داری را بر عهده داشت و به خاطر فرزندانش مجبور بود این وضعیت را تحمل کند. پروین، ۴۲ ساله و دارای مدرک لیسانس، معتقد بود که خشونت در خانواده و فرهنگ ریشه دارد. شوهرش دائماً به دلیل هر موضوعی دعوا می‌کرد و خود را کنار می‌کشید تا بچه‌ها او را مقصر بدانند. پروین به دلیل بزرگ بودن بچه‌ها مجبور بود سکوت کند و این وضعیت را تحمل کند. پریا، ۳۷ ساله و دارای مدرک دیپلم، در زندگی با شوهری که فحاشی می‌کرد و گاهی او را کتک می‌زد، به شدت از این وضعیت رنج می‌برد. شوهرش به شکاکی نیز معروف بود و حتی کوچک‌ترین تغییرات در رفتار پریا را به سوءظن می‌پنداشت. زری، ۴۰ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم، با شوهر خشنی روبرو بود که برای نشان دادن قدرتش به خشونت متوسل می‌شد. او معتقد بود که شوهرش برای حفظ قدرت و تحقیر او به این روش‌ها متوسل می‌شود و این وضعیت باعث کاهش اعتماد به نفس او شده است. مهدیه، ۳۹ ساله و دارای مدرک دیپلم، به دلیل قهر و بی‌توجهی شوهرش در دوره کوتاه پس از ازدواج، تحت خشونت روانی قرار گرفت. شوهرش به دلیل عدم توانایی در کنترل احساسات خود، مهدیه را مورد تحقیر و بی‌توجهی قرار می‌داد. عاطفه، ۴۱ ساله و دارای مدرک لیسانس، با شوهرش که دائماً فحاشی می‌کرد و به دلیل کوتاه آمدن از اوضاع بدتر می‌شد، درگیر بود. این وضعیت منجر به احساس افسردگی و اضطراب در عاطفه شده بود و او برای خواب به قرص‌های خواب‌آور نیاز داشت. نفیسه، ۲۹ ساله و دارای مدرک سیکل، در دوران بارداری با مشکلات زیادی روبرو بود. شوهرش به توصیه‌های پزشک توجه نمی‌کرد و با آزار و اذیت، او را مورد بی‌توجهی قرار می‌داد. این رفتارها باعث شد نفیسه احساس بی‌اهمیتی کند و به شدت از این وضعیت رنج ببرد. الهه، ۴۲ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم، با شوهر عصبانی و خشن مواجه بود که اغلب اشیاء را به سمت او پرتاب می‌کرد و او را در معرض استرس و اضطراب قرار می‌داد. الهه تنها مجبور به سکوت و تحمل این رفتارها بود. آمنه، ۴۳ ساله و دارای مدرک دیپلم، با شوهری که به طور مداوم فحاشی و کتک‌کاری می‌کرد، زندگی می‌کرد. این وضعیت باعث شده بود که آمنه احساس تحقیر و ناامیدی کند و به دلیل عدم حمایت خانواده، امیدی به بهبود وضعیت نداشت. مرجان، ۳۵ ساله و دارای مدرک لیسانس، با شوهرش که خواسته‌های غیرمنطقی داشت، درگیر بود. شوهرش به او اجازه نمی‌داد با همکاران مرد صحبت کند و حتی ارتباط با برادرشوهرش را نیز ممنوع کرده بود. مرجان این رفتارها را خشونت‌آمیز می‌دانست و معتقد بود که تغییر در طرز فکر شوهرش بدون طلاق ممکن نیست. نازنین، ۳۷ ساله و دارای

مدرک دیپلم، با شوهرش که به هر بهانه‌ای داد و فریاد می‌کرد و با خشونت فیزیکی و عاطفی رفتار می‌کرد، به شدت از این وضعیت رنج می‌برد. او به خاطر بچه‌ها مجبور به تحمل این وضعیت بود، اما از بی‌محلّی و رفتارهای همسرش خسته شده بود. مهرانگیز، ۴۰ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم، با شوهرش که در هر مشاجره‌ای به توهین و تحقیر می‌پرداخت، زندگی می‌کرد. با اینکه وضعیت مالی شوهرش مناسب بود، او به نیازهای مهرانگیز اهمیتی نمی‌داد و این وضعیت باعث شده بود که از طلاق بترسد. الهام، ۳۳ ساله و دارای مدرک دیپلم، با شوهری که به مواد مخدر اعتیاد داشت و بی‌کار بود، زندگی می‌کرد. او مورد ضرب و شتم و توهین قرار می‌گرفت و به دلیل نبود درآمد مالی، فشارهای زیادی را تحمل می‌کرد. خانواده الهام نیز به او کمکی نکردند و او به دلیل نگرانی از تخریب زندگی‌اش، مجبور به تحمل این وضعیت بود. زهرا، ۴۳ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم، معتقد بود که هر نوع توهین به شخصیت زن خشونت محسوب می‌شود، چه فیزیکی و چه کلامی. او به دلیل رفتارهای توهین‌آمیز شوهرش، احساس ناامیدی و بی‌پناهی می‌کرد و به نظرش هیچ قانونی از او حمایت نمی‌کند.

تحلیل کیفی تجارب و واکنش‌های زنان خشونت‌دیده: «کدگذاری و نتایج»

کدگذاری اولیه

- خشونت فیزیکی: شامل ضرب و شتم، کتک زدن، پرتاب اشیاء.
- خشونت کلامی: شامل فحاشی، توهین، تحقیر.
- خشونت عاطفی: شامل بی‌محلّی، قهر کردن، ایجاد حس ناامیدی.
- محدودیت‌های اجتماعی: شامل ممانعت از ارتباط با دیگران، محدودیت در فعالیت‌های اجتماعی.
- تجربیات فردی: شامل احساسات شخصی از شکست، بی‌پناهی، و ناامیدی.
- تأثیرات فرهنگی و خانوادگی: شامل تأثیر فرهنگ تربیتی و خانوادگی بر رفتارها.

کدگذاری محوری

- تجارب فردی و احساسات: شامل احساس شکست، بی‌پناهی، و ناامیدی ناشی از خشونت.
- نوع خشونت: تقسیم به فیزیکی، کلامی، و عاطفی.

- پاسخ به خشونت: شامل تحمل، سکوت، و در موارد نادر، پرخاشگری متقابل.
- تأثیر فرهنگ و خانواده: شامل تأثیر فرهنگ خانواده و جامعه بر رفتارهای خشونت‌آمیز مردان.
- کمبود حمایت و قوانین: شامل عدم حمایت خانواده، جامعه و قوانین در مقابل خشونت.

کدگذاری انتخابی

- سکوت و تحمل: نشان‌دهنده عدم توانایی در تغییر وضعیت و احساس ضعف.
- پاسخ به خشونت: بررسی واکنش‌های زنان به خشونت و محدودیت‌های اجتماعی.
- تأثیر فرهنگی: بررسی نقش فرهنگ و تربیت خانوادگی در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز.
- کمبود حمایت: تحلیل وضعیت زنان از نظر حمایت اجتماعی و قانونی و تأثیر آن بر احساسات و رفتارها.

تحلیل و تفسیر داده‌ها

- بر اساس کدگذاری‌ها و تحلیل داده‌ها، می‌توانیم به نتایج زیر دست یابیم:
- زنان خشونت‌دیده به دلیل عدم حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی، و مشکلات مالی، اغلب مجبور به تحمل خشونت و سکوت در برابر آن هستند.
 - انواع خشونت شامل فیزیکی، کلامی و عاطفی به صورت‌های مختلف در زندگی این زنان ظاهر می‌شود.
 - واکنش‌های زنان به خشونت شامل تحمل و سکوت در بیشتر موارد است، و پرخاشگری متقابل تنها در موارد خاص مشاهده می‌شود.
 - تأثیر فرهنگ و تربیت خانوادگی بر رفتارهای خشونت‌آمیز مردان بسیار برجسته است و زنان خشونت‌دیده بر این باورند که تغییر این رفتارها خارج از اختیار آنهاست.
 - عدم وجود حمایت‌های کافی از سوی خانواده، جامعه و قوانین، منجر به احساس ناامیدی و تنهایی در زنان خشونت‌دیده شده است.

نتایج تحلیل نشان می‌دهد که زنان خشونت‌دیده با مشکلات گسترده‌ای در مواجهه با خشونت روبرو هستند و نیاز به اصلاحات فرهنگی، اجتماعی و قانونی دارند تا بتوانند از وضعیت خشونت‌آمیز خارج شوند و حمایت‌های لازم را دریافت کنند.

با توجه به نتایج به دست آمده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، مشاهده می‌شود که در بیشتر موارد، زنان خشونت‌دیده به دلایل مختلف، چاره‌ای جز تحمل خشونت و سکوت در برابر رفتارهای خشن و آزاردهنده‌ای که با آنها مواجه شده‌اند، نمی‌شناختند. این زنان، به علت عدم حمایت کافی از سوی خانواده، جامعه و عدم وجود منابع مالی و اقتصادی، اغلب احساس ضعف و ناتوانی می‌کردند. بنابراین، بسیاری از آنها به ناچار مجبور بودند تا خشونت و سوء رفتارها را تحمل کنند و در برابر آنها سکوت کنند، چرا که گزینه‌های دیگری برای مقابله و تغییر وضعیت نداشتند. در معدود مواردی که زنان خشونت‌دیده به پرخاشگری متقابل روی آورده‌اند، این واکنش‌ها نیز به طور کلی به دلیل شدت فشارهای وارده و نیاز به ابراز اعتراض در برابر رفتارهای غیرقابل قبول بوده است.

تجارب معطوف به خود

با توجه به نتایج به دست آمده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، می‌توان نتیجه گرفت که زنان خشونت‌دیده به دلیل احساس بی‌پناهی و عدم داشتن حامی و پشتوانه لازم، و نیز نیازهای مالی و اقتصادی که با آنها روبرو هستند، خود را شکست‌خورده و درمانده یافته‌اند. این زنان در مواجهه با خشونت، به دلیل نداشتن حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی، و همچنین مشکلات مالی که زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار داده است، خود را در موقعیتی کاملاً ناتوان و بدون امکانات برای تغییر وضعیت می‌بینند. در بسیاری از موارد، این زنان به دلیل عدم توانایی در تأمین نیازهای اولیه و عدم وجود حمایت‌های لازم، به این نتیجه می‌رسند که هیچ راهی برای تغییر وضعیت یا بهبود شرایطشان وجود ندارد.

تجارب معطوف به خانواده و محیط

بر اساس نتایج به دست آمده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، مشخص می‌شود که زنان خشونت‌دیده، مشکلات و خشونتی که با آن مواجه هستند را به فرهنگ خانواده و جامعه نسبت می‌دهند. این زنان معتقدند که رفتار مردان به فرهنگ تربیتی و اجتماعی آنها در خانواده و جامعه بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، زنان خشونت‌دیده بر این باورند که ریشه‌های رفتارهای خشن و غیرقابل قبول مردان به سیستم فرهنگی و تربیتی که در آن بزرگ شده‌اند، مربوط می‌شود و تغییر این رفتارها و ریشه‌های آنها را از اختیار و اراده خود خارج می‌دانند.

به عبارت دیگر، این زنان به دلیل باور به تأثیر عمیق فرهنگ و تربیت خانوادگی و اجتماعی بر رفتار مردان، احساس می‌کنند که توانایی تغییر این وضعیت و اصلاح رفتارها را ندارند.

راهکارها و راهبردها

بر اساس یافته‌های پژوهش، اکثر زنان خشونت‌دیده از حمایت خانواده و جامعه و نیز از قوانین موجود در حمایت از آن‌ها احساس محرومیت می‌کنند. این زنان معتقدند که قوانین اجتماعی و قضایی کمتر از آن‌ها حمایت می‌کند و راهکار مؤثری برای رهایی از خشونت ارائه نمی‌دهد. این وضعیت منجر به تشدید حس ناامیدی و تنهایی در میان این زنان شده است، چرا که آن‌ها به نظر می‌رسد که در برابر سیستم حمایتی ناکافی و قوانین محدود، احساس ناتوانی و بی‌پناهی می‌کنند. در این راستا، به نظر می‌رسد که با بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای، و همچنین بررسی و رفع خला‌های قانونی موجود در زمینه حمایت از زنان، می‌توان راهکارهای مؤثری برای مقابله با این پدیده و معضل اجتماعی ارائه داد. چنین اقداماتی می‌تواند به تقویت حمایت‌های اجتماعی و قانونی از زنان خشونت‌دیده و کاهش احساس ناامیدی و تنهایی آن‌ها کمک کند.

بحث و نتیجه گیری

تحلیل کیفی تجارب و واکنش‌های زنان خشونت‌دیده نشان می‌دهد که این زنان به طور عمده با چالش‌های عمیق و متنوعی مواجه‌اند که ناشی از انواع خشونت‌های فیزیکی، کلامی، و عاطفی است. از نتایج به دست آمده، می‌توان دریافت که زنان خشونت‌دیده غالباً در برابر خشونت، چاره‌ای جز تحمل و سکوت ندارند و در موارد نادر به پرخاشگری متقابل روی می‌آورند. این وضعیت به وضوح ناشی از فقدان حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی، مشکلات مالی، و ضعف در سیستم قانونی و حمایتی کشور است. در تجزیه و تحلیل تجربیات فردی این زنان، مشاهده می‌شود که احساس بی‌پناهی و شکست، به ویژه در شرایطی که حمایت‌های مالی و اجتماعی ناکافی است، به شدت مشهود است. زنان خشونت‌دیده در بسیاری از موارد به دلیل نداشتن پشتوانه و منابع کافی برای تغییر وضعیت، خود را در موقعیتی ناتوان و درمانده می‌بینند. همچنین، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که زنان خشونت‌دیده مشکلات و خشونت‌هایی که با آن‌ها مواجه‌اند را به عوامل فرهنگی و خانوادگی نسبت می‌دهند. این زنان معتقدند که رفتارهای خشونت‌آمیز مردان به فرهنگ تربیتی و اجتماعی آن‌ها در خانواده و جامعه بازمی‌گردد و تغییر این رفتارها از اختیار و اراده آن‌ها خارج است. در بخش راهکارها و راهبردها، تحلیل‌ها نشان می‌دهند که زنان خشونت‌دیده از حمایت‌های اجتماعی و قانونی موجود احساس محرومیت می‌کنند و به نظر می‌رسد که قوانین اجتماعی و قضایی به طور کافی از آن‌ها حمایت نمی‌کند. این وضعیت باعث تشدید حس ناامیدی و تنهایی در میان این زنان شده است. برای بهبود وضعیت، نیاز به اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، و قانونی به شدت احساس می‌شود.

تحلیل و پیشنهاد راهکارها

با توجه به یافته‌های پژوهش، چندین راهکار و استراتژی به منظور کاهش خشونت و بهبود وضعیت زنان خشونت‌دیده پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی: باید برنامه‌های حمایتی و مشاوره‌ای به طور گسترده‌تری در دسترس زنان خشونت‌دیده قرار گیرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل مشاوره روان‌شناختی، گروه‌های حمایتی، و خدمات اجتماعی باشند که به زنان کمک می‌کند تا از احساس تنهایی و بی‌پناهی رهایی یابند.

۲. اصلاحات قانونی و تقویت قوانین حمایتی: نیاز است که قوانین مرتبط با خشونت علیه زنان به طور جدی‌تر مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد. این اصلاحات می‌تواند شامل ایجاد قوانین قوی‌تر برای حمایت از زنان خشونت‌دیده، ارائه امکانات قانونی برای شکایت و پیگیری حقوقی، و تقویت سیستم قضائی در رسیدگی به این پرونده‌ها باشد.

۳. آموزش و فرهنگ‌سازی: برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در سطح جامعه باید به منظور افزایش آگاهی عمومی در مورد خشونت علیه زنان و فرهنگ‌سازی مثبت در خصوص برابری جنسیتی اجرا شوند. این برنامه‌ها می‌توانند به تغییر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی که منجر به خشونت می‌شود، کمک کنند.

۴. بررسی و پر کردن خلاءهای قانونی: نیاز است که خلاءهای قانونی که به حمایت ناکافی از زنان خشونت‌دیده منجر می‌شود، شناسایی و برطرف شوند. این شامل بررسی دقیق قوانین موجود، شناسایی نواقص، و ایجاد سیاست‌های جدید برای تقویت حمایت‌های قانونی از زنان است.

۵. توسعه خدمات حمایتی اقتصادی: برای کاهش وابستگی مالی زنان به محیط‌های خشونت‌آمیز، باید خدمات اقتصادی و شغلی بیشتری ارائه شود. این خدمات می‌تواند شامل آموزش‌های حرفه‌ای، کمک‌های مالی، و تسهیلات شغلی برای زنان باشد.

اجرای این راهکارها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان خشونت‌دیده کمک کند و زمینه را برای کاهش خشونت و افزایش حمایت‌های اجتماعی و قانونی فراهم آورد. توجه به ابعاد مختلف این پدیده و اتخاذ رویکردهای جامع و چندجانبه

برای مقابله با آن، از جمله راه‌های اساسی برای ایجاد تغییرات مثبت و مؤثر در زندگی زنان خشونت‌دیده است.

منابع

حسینی، سید حسن؛ ایزدی، زینب (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران، مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان، سال ۱۴، شماره ۱.

حسینی، سیدهادی؛ محسنی، رضاعلی و فیروزجانیان، علی اصغر (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان: مطالعه تجربی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸.

سازمان بهداشت جهانی (۱۳۹۶)، گزارش جهانی خشونت و سلامت، ترجمه افتخاری مامک رفیعی فر، شهرام و جمشید کرمانچی، مرکز تحقیقات سلامت زنان فردا و موسسه تحقیقات بهبود زندگی زنان.

فروغان، مهران (۱۳۸۰). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. چاپ چهارم.

Saeed K, Adhami J, Baniamerian J (1999), Investigation – about domestic violence in Dehgolan Cities Families, *Sociology Journal*: 1 (3): P.67-90, Persian

Spohn, C. & Tellis, K. (2012). The criminal justice – system’s response to sexual violence. *Violence Against Women*, 18(2), 169-182.

Creswell, J. W. (2009). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (3rd ed.). Sage Publications, Inc. https://www.ucg.ac.me/skladiste/blog_609332/objava_105_202/fajlovi/Creswell.pdf

Dehdast, K., Kazemian, S., & Bagheri, S. (2017). Explanation of a conceptual model related to the process of compatibility with the family of the spouse. *The Women and Family Cultural Education*, 11(37), 49-75. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201698_c4f116267fa1f6e5fe7c4ff7c6b11e69.pdf]In Persian[

Dixit, A., Ghule, M., Rao, N., Battala, M., Begum, S., Johns, N. E., Averbach, S., & Raj, A. (2022). Qualitative Examination of the Role and Influence of Mothers-in-Law on Young Married Couples’ Family Planning in Rural Maharashtra, India. *Global Health: Science and Practice*, 10(5).

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC9622279/> Foruzesh, S., Roshan, R., Gholami Fesharaki, M., & Mohsenyade, M. (2020). aws based on attachment styles, I-In Relationship with Developing model for Emotional

- Intelligence with intermediation and characteristics Personality Religious commitment. *Clinical Psychology and Personality*, 17(2), 63-76. https://cpap.shahed.ac.ir/article_2908.html?lang=fa]In Persian[
- Ghasemi, A., & Saroukhani, B. (2014). Factors related to divorce among the couples applying consensual divorce. *Journal of Socio-Cultural Changes*, 10(4), 69-87. sid.ir/paper/254994/fa]In Persian[
- Ghasemi, S., Etemadi, O., & Ahmadi, S. A. (2016). Pathology of couples and in-law family interactions: A qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Science*, 5(3), 250-262. https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90863.html]In Persian[
- Ghotbi, M., holakoei Naeni, K., jazayeri, A., & rahimi, A. (2004). Evaluation of divorce and it's factors in divorced person lived in doulat abad (Tehran). *Refahj*, 3(12), 271-286. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1886-fa.html>]In Persian[
- Giorgi, A. (2009). *The descriptive phenomenological method in psychology: A modified Husserlian approach*. Duquesne University Press. <https://psycnet.apa.org/record/2009-17646-000>
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). *Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches*. Jossey-Bass. <https://gwern.net/doc/sociology/1981-guba-effectiveevaluation.pdf>
- Goldstein, D. I. (2015). *Mediating the influence of interference on marital satisfaction: Boundaries with in-laws* (Doctoral dissertation, University of Georgia). http://getd.libs.uga.edu/pdfs/goldstein_daniel_i_201508_phd.pdf
- Haji Pahlavan, G., Kariminia, M.M., & Ansari Moghadam, M. (2021). Increase and decrease of divorce according to the role of spouse's family in family in private life. *Journal of New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education*, 4(36), 77-92. <https://www.jonapte.ir/fa/showart-404d4b259f96ab75f77ab0266ab54a28>]In Persian[
- Haws ,W. & Mallinckrodt, B. (1998). Seperaton-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple. *American Journal of Family Therapy*, 26 (4), 293-306. <https://www.tandfonline.com/journals/uافت20>
- Hooshmandi, R., Ahmadi, K., & kiamanesh, A. (2019). Analysis of the causes of marital conflict in the last two decades (a systematic review). *Journal of Psychological Science*, 18(79), 819-828. <https://psychologicalscience.ir/article-1-365-fa.html>

Hoseini Nejad, S.M. (2017). *Narrative Understanding of Divorced Women of the Role of the Family of Origion in Divorce Incidence*. Family Counseling Master's Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman.
<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/3c7baaf277fbd9e9eb8158f9cb326d68/search/19d5059271b09683a90e2b288ff1b1dc>